

گزارش برگزاری کنگره ششم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

مورد تصویب کنگره قرار نگرفت از جمله بقرار زیرند:

– اضافه کردن جمله " ...اگر چه ظرفیت اصلاح طلبی به پایان نرسیده است." به بند دوم سند

– تاکید بر مبارزه طبقاتی در هر جایی که از جنبش ضداستبدادی نام برده می شود.

پس از پایان مباحث حول سند سیاسی، قطع نامه‌ی پیشنهادی کمیته مرکزی سازمان پیرامون اولویت‌های سازمان در فاصله‌ی کنگره ششم و هفتم به عنوان سند پایه به بحث گذاشته شد. در مورد اولویت‌های سازمان قطع نامه‌ی مقابلی نیز از سوی اقلیت کمیته مرکزی ارائه گردید که در مورد راه حل‌ها اختلافاتی با قطع نامه‌ی ارائه شده از سوی اکثریت کمیته مرکزی داشت که به عنوان سند پایه مورد تصویب قرار نگرفت. در این قسمت مباحث گسترده‌ای پیرامون وضعیت تشکیلات با توجه به نیازهای کنونی جنبش سیاسی انجام گرفت. که در پایان مباحث قطع نامه پیشنهادی به رأی گذاشته شد و با پاره‌ای اصلاحات با اکثریت آراء به تصویب رسید. در این قطع نامه در قسمت اولویت‌ها آمده است: «با توجه به

تصمیم کنگره پنجم در مورد سیاست‌گذاری معطوف به جنبش اجتماعی داخل کشور و با تأکید بر این مشی و برای پیش‌برد مبارزه برای سرنوینی حکومت اسلامی و گسترش روند مبارزه فراقانونی و جنبش نافرمانی مدنی و از جمله با شعار «رفراندم» و برای یاری به راه‌افتادن پروژه «اتحاد هواداران سوسیالیسم در داخل کشور» و کمک به پا گرفتن تشکل‌های مستقل صنفی و اجتماعی، که اولویت‌های اصلی مبارزه سیاسی ماست، ضرورت دارد که امکان‌های لازم در این مورد فراهم آید».

بر پایه این الویت، کنگره کمیته مرکزی را موظف کرد که دستورالعمل‌های کنگره برای اجرای این الویت‌ها را به اجرا گذارد. کنگره هم چنین ضمن تأیید روند اصلاحات تشکیلاتی آغاز شده از کنگره چهارم و تاکید بر ادامه آن، دستورالعمل‌های لازم در این راستا را نیز صادر کرد. کنگره هم چنین ضمن بحث پیرامون وضعیت مالی سازمان، و با توجه به مشکلات جدی در این رابطه، کمیته مرکزی منتخب را به توجه

کنگره سالانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در روزهای پایانی تیرماه ۱۳۸۰ برابر با دهه‌ی دوم ژوئیه ۲۰۰۱ برگزار شد. ششمین کنگره سازمان با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باخته‌گان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. کنگره پس از شنیدن گزارش ستاد برگزاری کنگره و انتخاب هیئت رئیسه و تعیین منشی‌ها وارد دستور کار خود شد. در ابتدا آئین نامه‌ی پیشنهادی ستاد برگزاری جهت تعیین مقررات و روال برگزاری کنگره به رأی گذاشته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. پس از آن دستور جلسه پیشنهادی کمیته مرکزی به رأی گذاشته شد که هم‌راه با پیشنهادات شرکت‌کنندگان در کنگره مبنی بر تکمیل و تغییر آن به تصویب رسید. در کنگره امسال نیز علاوه بر جوانان نسل دوم، جمعی از هم‌راهان و هم‌زمان خارج از سازمان به عنوان مهمان حضور داشتند که بر پایه آئین نامه برگزاری کنگره در همه فعالیت‌های کنگره، به غیر از انتخاب کردن و انتخاب شدن، شرکت داشتند. حضور فعالانه و دل‌سوزانه این رفقا به بحث‌ها و جلسات غنا و گرمی بیشتری داده بود.

کنگره در ابتدای کار خود به بحث پیرامون سند سیاسی ارائه شده از سوی کمیته مرکزی سازمان پرداخت. حول مسائل سیاسی کشور بویژه تحولات آن در یک سال اخیر و روند پیش‌رو مباحث گسترده‌ای صورت گرفت. پس از پایان مباحث کلیت سند سیاسی به رأی گذاشته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. سپس بند بند سند مورد بحث قرار گرفت و اصلاحیه‌ها و پیشنهادهایی جهت تغییر، تدقیق و یا تکمیل سند مطرح گردید. عمده‌ی این اصلاحیه‌ها تاکیدات ویژه‌ای بر جایگاه مبارزات کارگری در سال اخیر و ضرورت گنجانده شدن آن در سند سیاسی بود. برای کار عمقی‌تر روی سند ارائه شده پس از مباحثات، کنگره کمیسیونی را انتخاب نمود تا با بررسی و دسته‌بندی نظرات ارائه شده، روند رای گیری بر روی اصلاحیه‌ها را هم‌وار سازد. پیشنهادات کمیسیون سیاسی در روز دوم به کنگره ارائه گردید و تک تک پیشنهادات به رأی گذاشته شد و پیشنهادات حائز اکثریت آراء در سند سیاسی وارد گردید. پیشنهاداتی که

تجاوزکارانه‌ی آمریکا حمایت کردند، در حالی که در هر دو مورد، جنگ، آمریکا را در موقعیت برتر و بلامنزاع تر نسبت به سایر قدرت‌های جهانی قرار می‌داد و این موقعیت را تثبیت می‌کرد.

در رابطه با منابع انرژی خزر آمریکا می‌کوشد از همه عوامل مساعد به نفع استراتژی خود بهره‌برداری کند و بیش از همه از وجود جمهوری اسلامی و سیاست‌های غیرقابل قبول و ارتجاعی آن سود جوید.

بر اساس قراردادهایی که بین ایران و شوروی سابق بسته شده بود، خزر از آن جا که دریاچه است باید تحت اداره مشترک کشورهای ساحلی آن باشد و عملیات اکتشافی نیز باید با توافق این کشورها صورت گیرد. ایران و روسیه - و فعلاً ترکمنستان - خواهان حفظ و رعایت قرارداد هستند، در حالی که آذربایجان و قزاقستان آن قرارداد را لغو شده می‌دانند و خواهان آنند که با خزر چون دریا برخورد شود که بر اساس آن خزر بین پنج کشور ساحلی تقسیم می‌شود و هر کشور حق حاکمیت خود را در مناطق وابسته به ساحل خود اعمال می‌کند.

این اختلاف بهانه‌ی مناسبی برای دخالت غیرمستقیم و مستقیم آمریکا فراهم می‌کند که کنترل انحصاری بر منابع خزر-خلیج را در رأس سیاست ژئوپلیتیک خود در دوره‌ی بعد از فروپاشی شوروی قرار داده است. بهترین راه حل اختلاف، یعنی مذاکره بین کشورهای ساحلی بر اساس قواعد بین‌المللی تنها با احترام به حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت ملل منطقه، گسترش روابط دوستی و مراودات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بین این ملل، پای بندی به قوانین حاکم بر روابط بین‌المللی و اصول دموکراسی به نتایج مثبت برای ملل منطقه منجر شده و می‌تواند رقابت بین قدرت‌های بین‌المللی را نیز در جهت تثبیت حق حاکمیت ملل منطقه به خدمت بگیرد. اما حداقل دو دولت این راه حل را با منافع خود در تضاد می‌بینند: آمریکا و جمهوری اسلامی ایران. دولت آمریکا خواهان کنترل انحصاری منطقه است و این خواست هم با حق تعیین سرنوشت ملل منطقه و گسترش دموکراسی در خاورمیانه در تضاد است هم با موازنه‌ی منفی بین قدرت‌های بزرگ در منطقه. دولت جمهوری اسلامی این راه حل را با اساس موجودیت خود در تضاد می‌بیند، زیرا این موجودیت ضددموکراتیک و ضدحاکمیت ملی تنها امکان دوام حکومت لرزان خود را در ایجاد مناقشات خارجی چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی جستجو می‌کند و به همین دلیل هم سیاست به غایت خطرزای مخاصمه با آمریکا را ادامه می‌دهد. دو طرف از طریق این تخاصم به یک‌دیگر کمک می‌کنند و بازنده اصلی این تخاصم ملت‌های منطقه و بویژه مردم ایران هستند. چنان که در جریان جنگ اول خلیج فارس دیدیم، این جنگ اگر محیط زیست میلیون‌ها و میلیون‌ها مردم خاورمیانه را به انبار اسلحه و منطقه خطر تبدیل کرد، در عوض برای دولت آمریکا و رژیم اسلامی به گفته خمینی "نعمت" بود و به دوام یکی و حضور نظامی و گسترش نفوذ دیگری خدمت کرد.

اکنون در رابطه با خزر آمریکا عوامل مساعد فراوانی جهت سلطه خُشود فراهم آورده است، بنابراین

ویژه به مشکل مالی سازمان و چاره یابی برای آن موظف نمود.

پس از آن قطع‌نامه مربوط به «اتحاد چپ کارگری» مورد بحث قرار گرفت، که با پاره‌ای اصلاحات به تصویب رسید. در این رابطه بحث‌های مفصلی صورت گرفت و نظراتی نیز وجود داشت که این ارزیابی از کار اتحاد چپ را منطبق بر واقعیت نمی‌دانست و خواهان این بود که این ارزیابی که «آن چه مسلم است اتحاد چپ کارگری، نتوانسته به ایجاد یک اتحاد غیرایدئولوژیک - غیرفرقه‌ای سوسیالیست‌های رادیکال جامه عمل پپوشاند.» در قطع‌نامه گنجانده شود که مورد توافق کنگره قرار نگرفت.

محور دیگر بحث‌های کنگره برخورد با ستم جنسی بود. از سوی بخشی از زنان شرکت‌کننده

هرگاه ایجاد بحران در خزر را به نفع استراتژی خود بدانند، کافی است چراغ سبز بدهد، تردیدی نیست در این رابطه بیش از جمهوری‌های آسیایی، بیش از متحدان استراتژیک آمریکا در منطقه یعنی ترکیه و اسرائیل و دولت‌های عربی خلیج فارس، این دولت جمهوری اسلامی است که به کمک آمریکا می‌شتابد و با یاهو‌بافی‌های مشابه آن چه این بار از محسن رضائی شنیدیم و با دشمن‌تراشی در منطقه و با سیاست‌های تحریک‌آمیز شریایی ایجاد می‌کند که همه، حتی رقیبان آمریکا در منطقه پشت آمریکا صف بکشند.

بنابراین مردم ایران برای پیش‌برد یک سیاست خارجی پیش‌رو که از منافع ملی ایران حمایت کند اولین مانعی را که باید از پیش پا بردارند رژیم جمهوری اسلامی ایران است. و این دلیل مضاعفی است برای پیش‌برد یک سیاست رادیکال برای رهائی از شر رژیم اسلامی. دلیل مضاعف، زیرا نخستین و مهم‌ترین دلیل ما برای سنگربندی جهت نبرد نهائی با رژیم همان اعاده حق مردم ایران برای حاکمیت بر خویش و جلوگیری از ویرانی و اضمحلالی است که رژیم اسلامی کشور را به آن محکوم کرده است. اضمحلالی که همه وجوه زندگی اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی- در ایران را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر جمهوری اسلامی هم از درون و هم از بیرون ایران را به ویرانی و از هم پاشیدگی می‌کشاند. ما مردم ایران برای نجات ایران از این رژیم ویران‌گر راهی به جز سازمان‌یابی نداریم و سازمان‌یابی ما خود بهترین وسیله برای مقابله با همه انواع مفاعم ارتجاعی و تهدیدهای خارجی هم هست. پس اگر دلیل مضاعفی برای مبارزه رادیکال در جهت سرنوشتی رژیم اسلامی داریم، دلیل مضاعفی نیز در رابطه با ضرورت سازمان‌یابی توده‌ای داریم. ملت سازمان‌یافته حول مطالبات دموکراتیک و برابری طلب، قادر به دفع هر نوع دشمن داخلی و خارجی است. تشکل‌های مستقل حول مطالبات بر حق مردم در هر سطح-صنفی، سیاسی، اجتماعی- جوی‌بهرایی هستند که سرانجام به هم می‌پیوندند و دریای مقاومت سازمان‌یافته مردم در برابر هر نوع ارتجاع و پایه‌ی بازسازی دموکراتیک کشور را تشکیل می‌دهند.

در کنگره قطع‌نامه‌ای در این رابطه به کنگره ارائه گردید که بر مبارزه علیه ستم جنسی در جامعه و هم‌چنین در میان گروه‌ها و سازمان‌های هوادار سوسیالیسم از جمله سازمان ما تاکید می‌کرد. این سند با پیشنهاد‌های اصلاحی شرکت‌کنندگان در کنگره به تصویب رسید و اصلاحات مصوبه در متن اولیه وارد گردید. در این قطع‌نامه بر قطع‌نامه کنگره چهارم سازمان علیه آپارتاید جنسی تاکید شده است. در قطع‌نامه کنگره چهارم سازمان آمده بود: «از آن جا که جوانان موتور حرکت‌های کنونی جامعه را شکل می‌دهند؛ از آن جا که بی‌آیندگی ناشی از فلاکت اقتصادی و ارتجاع فرهنگی حاکم دو وجه برجسته تقابل جوانان و حاکمیت است؛ از آن جا که نیمی از جوانان را زنان تشکیل می‌دهند که فشار ناشی از زندگی در سیستم آپارتاید جنسی آنان را چون آتش‌فشانی آماده طغیان کرده است:

تعرض مستقیم به سیستم آپارتاید جنسی و طرح شعارهای رفع تبعیض جنسی، تضمین‌کننده‌ی گسترش، تعمیق و رادیکالیزه کردن جنبش توده‌ای است. طرح شعارهای مستقیم علیه جداسازی جنسی، ارکان حاکمیت را هدف قرار داده و نیمی از جامعه را برای رسیدن به مطالبات خود در تغییرات احتمالی آینده برانگیخته و مورد حمایت قرار می‌دهد. محورهای شعار: ۱- علیه جداسازی جنسی؛ ۲- علیه حجاب اجباری، اختیاری بودن پوشش؛ ۳- لغو قوانین ضدزن؛»

از پیشنهاد‌های رسیده در رابطه با مسئله زنان، پیشنهاد انتشار یک نشریه ویژه همانند «تک‌برگی راه کارگر» در رابطه با ستم جنسی بود که رد شد. پیشنهاد دیگری مبنی بر افزودن کلمه "زن" به اصلاحیه مصوب دیگر مبنی بر "سازمان ما از حق آزادی رابطه جنسی دفاع می‌کند." بود که این پیشنهاد با اکثریت آرا رد شد. پیشنهاد حذف کلمه "اکثریت" در بند ۴ قطع‌نامه نیز مورد تأیید قرار نگرفت.

محور بعدی بحث، برخورد به ستم ملی در ایران بود که در قطع‌نامه‌ای از سوی کمیته مرکزی سازمان به کنگره ارائه شده بود. در توضیح قطع‌نامه ارائه شده به کنگره پیرامون مسئله ملی با توجه به سابقه کار سازمان در این عرصه آمده بود: «سازمان ما از همان ابتدا به مسئله ملی در کشور چند ملیتی ما توجه ویژه‌ای داشته است. موضع‌گیری‌های اصولی راه کارگر در رابطه با حوادث ترکمن‌صحرا، خوزستان، کردستان، آذربایجان (حرکت حزب خلق مسلمان طرفدار شریعت‌مداری) و مسایل بلوچستان و سایر رخ داده‌ها و مناسبت‌های ملی بیان‌گر پای بندی عمیق به اصل حق تعیین سرنوشت ملل و اقوام و حقوق شهروندی است.

دنباله از صفحه ۲ گزارش کنگره ششم ...

راه کارگر پیوسته و خستگی ناپذیر از حقوق اقلیت های مذهبی از یهودی گرفته تا بهائی دفاع کرده و سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را افشاء و محکوم کرده است. **کمیته مرکزی سازمان در فروردین ماه ۱۳۷۱ قطع نامه ی «سیاست ما در مسئله ملی» را صادر کرد.** سازمان در این قطع نامه سیاست های خود در رابطه با مسئله ملی را تدقیق و جمع بندی کرد و ارائه داد که هم چنان به قوت خود باقی است. در این قطع نامه آمده است: «**نظر به این که:**

ستم ملی در کشور چند ملیتی ما یکی از اساسی ترین موانع دستیابی به دموکراسی است و ادامه آن جز با گسترش نفرت ملی در میان خلق های ایران و تضعیف زمینه های اتحاد داوطلبانه و دمکراتیک آن ها ممکن نخواهد بود؛

در شرایط کنونی که در نتیجه تحولات بین المللی و مخصوصاً تحولات اتحاد شوروی سابق، موج جدیدی از ناسیونالیسم که منطقه ی ما را فرا گرفته، در ایران نیز به نحوی بازتاب داشته و خواهد داشت، هر نوع گسترش نفرت ملی، خطر بزرگی برای جنبش کارگری کشورهای منطقه و از جمله کشور ما بوجود می آورد. **کمیته مرکزی مقرر می دارد که در تبلیغات و فعالیت سازمانی ما نکات زیر به دقت رعایت شوند؛**

الف- از حق تعیین سرنوشت، و از جمله حق جدائی همه ملل به عنوان یکی از ارکان اساسی دموکراسی، مخصوصاً در کشور چندملیتی ما، به طور فعال و مستدل دفاع شود و هم چنین از مبارزات ملیت های تحت ستم برای دستیابی به این حق فعالانه حمایت شود؛

ب- با اندیشه ها و گرایشاتی که به نفرت ملی دامن می زند و با مقابل هم قراردادن کارگران و زحمت کشان ملل مختلف، راه های تحکیم هم بستگی بین المللی- یعنی یکی از اساسی ترین شرایط رهائی آنان از بهره کشی سرمایه داری- را مسدود می کنند، مقابله نظری فعالی صورت گیرد. لازمی چنین مقابله ای دفاع فعال از اتحاد داوطلبانه و دمکراتیک ملیت های ایران است که تنها با احترام به حق تعیین سرنوشت و از جمله حق جدائی آن ها می تواند تأمین شود؛

ج- از برابری حقوق و فرصت های همه ملیت های ایران که شرط حیاتی اتحاد داوطلبانه و دمکراتیک آن هاست، به تریبی که در برنامه سازمان تصریح شده است، فعالانه دفاع شود؛

د- از حق همه ملیت های ایران برای ایجاد رابطه با خویشاوندان ملی و زبانی شان در کشورهای هم جوار (از تسهیل رفت و آمدهای آزادانه تر گرفته تا قراردادهای فرهنگی، اقتصادی، گمرکی و غیره) حمایت شود. چنین روابطی نه

فقط ناقض اتحاد داوطلبانه ملیت های ایران نیستند بلکه زمینه دستیابی به صلح، دموکراسی و هم بستگی بین المللی کارگران و زحمت کشان کشورهای مختلف را تقویت می کند.» در ادامه این توضیحات آمده بود از کنگره ششم خواسته می شود که در پیگیری سیاست ملی خود قطع نامه ی جدید را به تصویب برساند.

بر پایه ی روشن بودن این مواضع و با توجه به برخوردارهایی که حاکمان جمهوری اسلامی با به کارگیری اصطلاحاتی هم چون "ایرانیان خالص" و یا "نژاد آریائی" به دامن زدن نفرت ملی پرداخته اند، قطع نامه ی جدید که در شماره ۲۲ تک برگری راه کارگر منتشر شد، عمدتاً به مباحث جاری در کشور و در میان نیروهای گوناگون توجه داشت، مطرح گردید. از این رو بحث حول قطعنامه پیشنهادی در این رابطه یکی از مباحث حساس کنگره بود که با وسواس زیاد روی تک تک واژه های بکار برده شده در قطعنامه صورت گرفت. تعیین جایگاه زبان فارسی و دیگر زبان های ملی ملل و اقوام ساکن ایران، یکی از عمده ترین محورهای مباحث بود. با توجه به گستردگی بحث ها در این رابطه کنگره کمیسیونی را جهت تدقیق و جمع بند اصلاحات طرح شده و کار روی آن ها انتخاب نمود. این کمیسیون گزارش خود را به کنگره ارائه کرد که پس از رأی گیری اصلاحیه های مصوب کنگره در متن اولیه قطع نامه وارد گردید.

بحث دیگر کنگره در رابطه با قطع نامه پیرامون مسائل جوانان در ایران بود. کنگره علیرغم تأکید بر جوان بودن جامعه ایران و ضرورت پرداختن ویژه به مسائل جوانان در ایران، اطلاعات و مباحث و تدارک مربوطه را ناکافی دانست و به « کمیته مرکزی توصیه کرد سندی در باره ی مسئله جوانان انتشار دهد» و در نتیجه قطعنامه مذکور با اکثریت آرای شرکت کنندگان از دستور کار کنگره خارج گردید. در انتهای مباحث کنگره پیامی از سوی کنگره خطاب به کارگران اعتصابی کارخانه کفش شادان پور به اتفاق آرا به تصویب رسید. هم چنین کنگره سازمان در اعتراض به قتل های زنجیره ای زنان با اتفاق آرا پیامی صادر کرد.

در پایان انتخابات کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی انجام گرفت که سهمیه بندی حداقل ۳۰٪ تعداد زنان در جمع برگزیدگان در همان دور اول انتخابات بدون نیاز به استفاده از این ماده اساسنامه ای حاصل گردید. کنگره در پایان کار خود پس از تماشای نمایش کوتاهی که توسط چند تن از کودکان تدارک دیده شده بود با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.